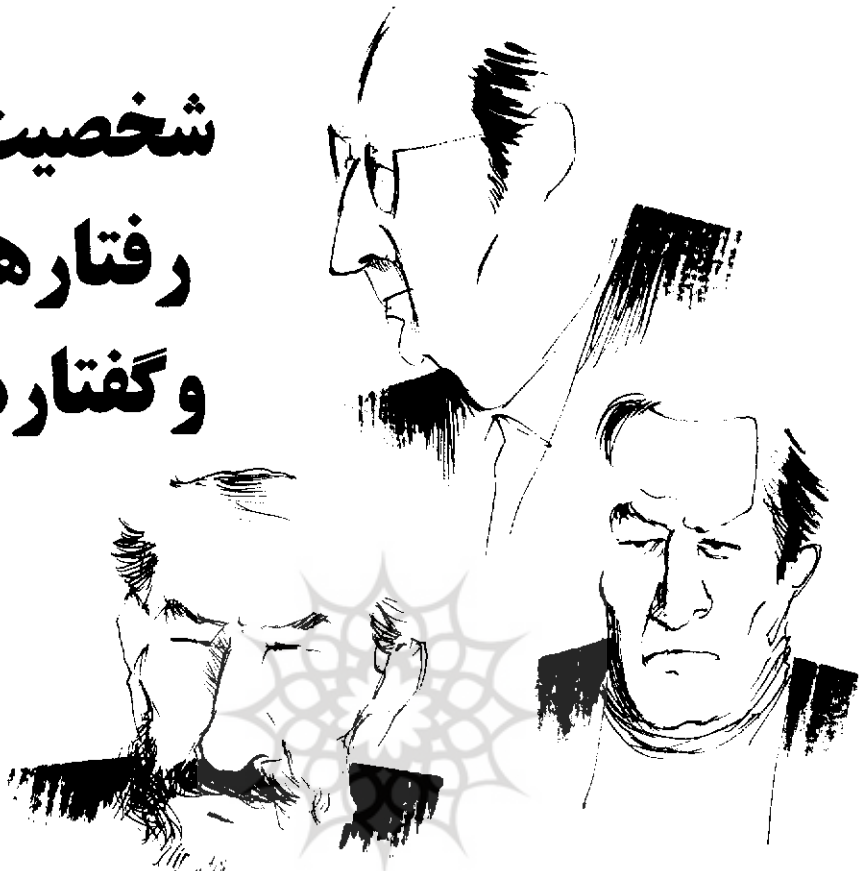


شخصیت، رفتارها و گفتارها

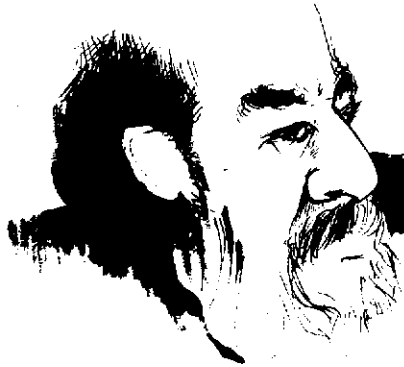


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر علی اصغر احمدی

است. اکثر قریب به اتفاق انسان‌ها، ناگزیر از زندگی با دیگران‌اند. شیوه مواجه شدن انسان‌ها با یکدیگر و نحوه تعامل آنان، رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهند. این رفتارها از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین رفتارها، از قبیل چگونگی مواجه شدن، سلام و احوال‌پرسی

شخصیت و رفتار اجتماعی
تاکنون این نکته که رفتارها و گفتارهای انسان تابعی است از شخصیت او، به خوبی به اثبات رسیده است. یکی از زمینه‌هایی که شخصیت انسان در آن به نحوی چشم‌گیر نقش آفرینی می‌کند، رفتار اجتماعی آدمی



کردن یا چگونگی جدا شدن آنان و نحوه خداحافظی کردن با یکدیگر، تا پیچیده‌ترین روابط اجتماعی از قبیل چگونگی پای بندی به میثاق‌ها و پیمان‌های اجتماعی و نحوه مواجه شدن با عرف یا نوع مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را شامل می‌شود. مشارکت اجتماعی خود می‌تواند از ساده‌ترین سطوح مانند کمک به یک انسان مصدوم یا بیمار تا مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه و مداخله در مدیریت کلان اجتماع متغیر باشد.

تنوع این رفتارها، خودتأبعی است از تنوع اشکال یا تیپ‌های شخصیتی. شخصیت انسان در طی تحول خود، رفتارهای انسان را به صورت مختلف شکل می‌دهد، که رفتار اجتماعی یکی از مصادیق آن است. اینک با تقسیم‌بندی کلی تیپ‌های شخصیتی که پیش از این به انحاء گوناگون از آن سخن گفته‌ایم، به توصیف رفتارهای اجتماعی وابسته به این تیپ‌ها می‌پردازیم.

تیپ بدنی و رفتار اجتماعی

انسانی که برای او نیازهای طبیعی و اکتسابی بدنی اهمیت و اولویت اساسی دارد، رفتار اجتماعی خاص خود را داراست. برای این تیپ از شخصیت نیازهای بدنی طبیعی، مانند نیاز به آب و غذا، نیاز جنسی و محرک‌های پرخاشگرانه، به شکل خودکار و خارج از کنترل او را وادار به ارضای این نیازها می‌کنند. چنین فردی وقتی که مثلاً گرسنه می‌شود، کنترل کننده‌های انسانی از قبیل ملاحظات اجتماعی یا ارزش‌های اخلاقی از قبیل حلال و حرام بودن، نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. او تنها در اندیشه رفع این نیاز است و تمامی رفتارهایش در این

جهت تجهیز می‌شود. در چنین شرایطی هشیاری نیز به حداقل خودش می‌رسد. چنین افرادی بعد از این که نیازشان برطرف شد، خود توصیف می‌کنند که در آن لحظه هیچ نمی‌فهمیدند و می‌گویند: "اصلاً نفهمیدم چه شد." برای این تیپ از افراد، جلوگیری از برآورده شدن نیازهایشان خیلی زود به پرخاشگری و عصبانیت منجر می‌شود.

چنین وضعیتی در مورد نیازهای بدنی اکتسابی، مانند انواع اعتیادها نیز صادق است. اعتیاد به مواد مخدر و الکل و حتی اعتیاد به داروهایی خاص نیز مانند نیازهای طبیعی عمل می‌کنند و وقتی زمان مصرف این گونه مواد می‌رسد، فرد کنترل خود را از دست می‌دهد و به شکل غیرارادی درصدد رفع این نیاز بر می‌آید.

تذکر این نکته ضروری است که مقابله افراطی و همراه با تعصب با نیازهای طبیعی نیز نشانگر غلبه این نیازها بر شخصیت انسان است. کسی که مثلاً به شکل افراطی نیاز جنسی انسان را تقبیح کرده، از آن به شدت با بدی یاد می‌کند، این نشانگر آن است که به شکل ناهشیار خود را در خطر تهاجم این نیاز می‌بیند. مقابله افراطی او، یک ضد حمله آشکار در

مقابل حمله‌ای پنهان از درون است.

نمونه‌ای از این نوع رفتارها در بین برخی از مادران و زنانی دیده می‌شود که در مقابل پرخاشگری فرزندان یا شوهر خود، سکوت کرده، به نوعی آن را پذیرایند. چنین فرزندان یا شوهرانی، مادر یا همسر خود را به لطایف الحیل و حتی گاه با چاپلوسی و اظهار پشیمانی و عذر خواهی در کنار خود نگه می‌دارند تا پرخاشگری‌های خود را باز بر سر آن‌ها تخلیه کنند.

چنین زنانی نقش کیسه بوکس را بازی می‌کنند تا طرف مقابل آن‌ها پرخاشگری‌های خود را بر سر آنان تخلیه کند. رابطه این‌ها با یکدیگر از مراحل دوگانه‌ای از پرخاشگری و ملاطفت و عذرخواهی تشکیل می‌شود. هر عذرخواهی مقدمه‌ای است برای یک پرخاشگری و هر پرخاشگری به دنبال خود مرحله‌ای از چاپلوسی و اظهار پشیمانی به دنبال دارد.

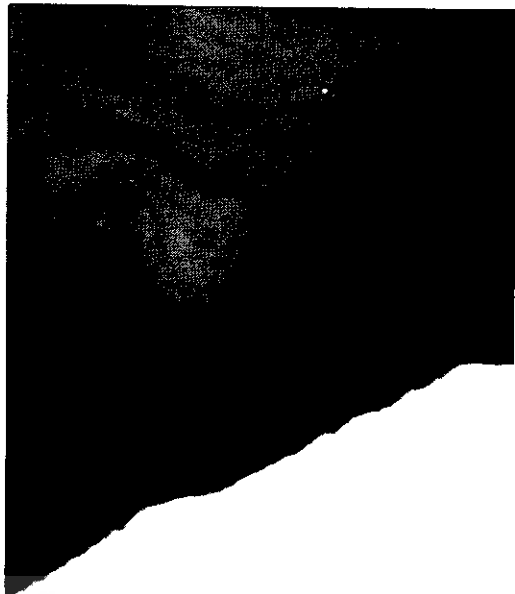
برای تیپ‌های بدنی، دوستی‌ها با پیمان‌های اختصاصی و درون‌گروهی همراه است. قواعد اجتماعی، قوانین و مقررات جامعه برای آنان نه تنها معنادار نیست، بلکه به عنوان مقرراتی مزاحم و دست و پاگیر تفسیر می‌شوند و حتی پرخاشگری نسبت به آن‌ها را، تا جایی که با تنبیه جدی مواجه نشوند، نوعی قهرمانی به شمار می‌آورند. پیمان‌های دوستی این افراد، به‌رغم ظاهر خشن و مقاوم خود، بسیار شکننده است. برای اینان، نارو زدن، با این حال که از کفر بدتر است، لکن بین این دسته از افراد زیاد دیده می‌شود. رفتار اجتماعی این تیپ دارای ابعاد دیگری نیز می‌باشد که می‌توان با تسری قانون‌مندی حاکم بر رفتارهای این افراد، آن‌ها را نیز تبیین کرد.

به هر حال انسانی که نیازهای طبیعی و اکتسابی بدنی بر شخصیت او غلبه دارد، رفتارهای اجتماعی خود را چگونه سامان می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که چنین افرادی به دیگران به عنوان ابزارهایی برای برآوردن نیازهای بدنی می‌نگرند. به این ترتیب خود را به کسانی نزدیک و نزدیک‌تر می‌بینند که به نوعی این نیازهای آنان را برآورده کرده، یا در برآوردن آن‌ها او را یاری می‌کنند. چنین افرادی دوستان خود را از میان کسانی بر می‌گزینند که چنین نقشی را در زندگی برای آنان ایفا می‌کنند. دوستی آنان با یکدیگر یک معامله اجتماعی برای برآوردن نیازهای بدنی است. پاس می‌دهند که پاس بگیرند، رازداری می‌کنند که راز آن‌ها نیز نگهداری شود، می‌بخشند تا به آنان نیز بخشیده شود. به هر فردی که احساس کنند مشابهتی با خودشان دارد، تا جایی که منافعتشان به جد به خطر نیفتد کمک می‌کنند. چنین افرادی به فرار خلاقان و بزهکاران، تا جایی که خود به دام نیفتند کمک می‌کنند. این گونه رفتارها را نیز با اصطلاحاتی چون، "معرفت"، "صفا"، "آقا بودن" و ... توصیف می‌کنند.

شایان ذکر است که پرخاشگری نیز خود در چنین فرایندی قابل توصیف است. تیپ‌های بدنی که تمایل پرخاشگرانه در آن‌ها غلبه دارد، افرادی را از میان پرخاشگران به دوستی می‌گیرند و از طرف دیگر خود را به افراد پرخاش‌پذیر نیز پیوسته نزدیک می‌کنند. پرخاش‌پذیران، مثلاً مازوخیست‌ها، کسانی‌اند که به نوعی واکنش‌پذیرنده در مقابل پرخاشگری دیگران از خود نشان می‌دهند.

اجتماعی است که ما عضو آن هستیم و بسته به موقعیتی که در خانواده داریم و نیز با توجه به فرهنگ حاکم بر خانواده، از جایگاهی خاص برخوردار می‌شویم. ترتیب تولد، که آن را آلفرد آدلر^۱ مورد توجه و تأکید قرار داده است، یکی از عواملی است که جایگاه فرد را در نظام خانواده معین می‌کند. جایگاه فرزند اول با جایگاه فرزند دوم و سوم یا فرزند آخر متفاوت است. جایگاه دختر و پسر، خواه فرهنگ تمایز بین جنسیت بر خانواده حاکم باشد یا نه، متفاوت است. جایگاه پدر و مادر در جوامع گوناگون و متناسب با فرهنگی که در آن جوامع حاکم است، متغیر و متفاوت است. به طور خلاصه جایگاه انسان در خانواده یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار اجتماعی اوست.

علاوه بر خانواده، انسان در گروه‌های دیگری از قبیل فامیل، مدرسه، گروه همسالان و دوستان، همکاران و بسیاری از گروه‌های رسمی و غیررسمی دیگر عضویت دارد و در هر یک از آنها جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهد. رفتار اجتماعی انسان در هر یک از این گروه‌ها و به نسبت جایگاهی که در آن دارد، تعیین می‌شود و رقم می‌خورد. برای مثال یک نوجوان وقتی خود را در مقابل پدر و مادر می‌بیند و در جایگاه خانوادگی خود می‌خواهد رفتار کند، اغلب تلاش می‌کند استقلال رأی و عمل خود را به نمایش بگذارد. او به انحای گوناگون درصدد است نشان دهد که دیگر آن کودک دبستانی نیست که هر چه والدین می‌گویند، آن را به اجرا بگذارد. او این واکنش را با توجه به نقش سنتی پدر و مادر که پیوسته در دوره کودکی او را مورد عتاب و خطاب قرار داده و پیوسته به او امر و نهی کرده‌اند، از خود



تیپ اجتماعی و رفتار اجتماعی

شخصی که انگیزاننده‌های اجتماعی، از قبیل جلب توجه، تمایل به تعلق داشتن به دیگران و جلب تحسین و حرمت اجتماعی، رفتارهای او را تعیین می‌کنند، در رفتارهای اجتماعی خود نیز این دسته از تمایلات را پیوسته مقدم می‌شمارد. چنین فردی در مراودات اجتماعی خویش درصدد جلب مقبولیت و محبوبیت بیش‌تر است، لذا از میان رفتارها پیوسته آن را ترجیح می‌دهد که وی را به چنین اهدافی نزدیک‌تر می‌کند.

یک تیپ اجتماعی، متأثر از جایگاه اجتماعی خود نحوه روابطش را با دیگران رقم می‌زند. هر یک از ما انسان‌ها در گروه‌های اجتماعی گوناگونی عضویت داریم و در آنها از جایگاهی برخورداریم. خانواده اولین گروه

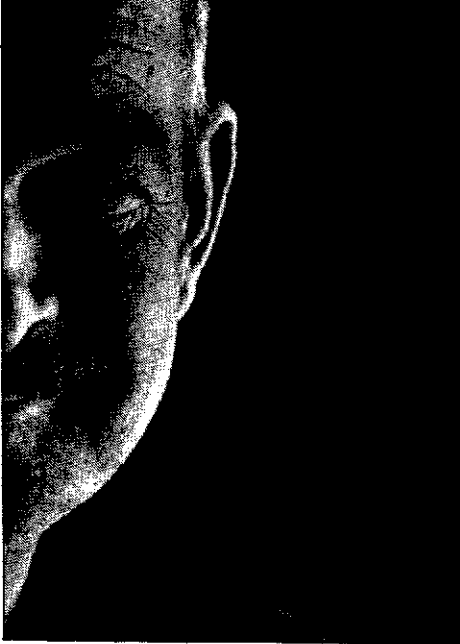
نیز موضعی کم و بیش مانند آن نوجوان را اتخاذ می‌کند.

فردی که در یک محیط روستایی از جایگاه مناسب و مقبولی برخوردار است، اگر به شهر بیاید و در آن جا جایگاهی برای خود دست و پا کند، نسبت به گروه و اجتماع قبلی خود موضعی مبتنی بر بزرگ منشی، انتقاد، هدایت‌گری و اظهار تأسف از عقب‌ماندگی و ضعف فرهنگی آنان، اتخاذ می‌کند. چنین فردی به سبب احساس ارزش‌مندی حاصل از کسب جایگاه جدید در شهر، وقتی به روستای خود می‌رود، در عمل و گفتار پیوسته متفاوت بودن خود را از روستاییانی که با آن‌ها زیسته و با آن‌ها بزرگ شده است، نشان می‌دهد. از جمله این گفتارها و رفتارها انتقاد از برخی از روش‌های آنان، ارشاد کردن آنان در زمینه بهبود روش‌ها و ترک فرهنگ‌های غلط و نادرست است.

همین وضعیت زمانی تکرار می‌شود که چنین شخصیتی، مثلاً به خارج از ایران رفته، مدتی در آن جا زندگی می‌کند. او با این سفر احساس می‌کند جایگاهی رفیع‌تر از جایگاه پیشین خود کسب کرده است و لذا گروه و جامعه پیشین خود را با همان شرحی که در بالا گذشت مورد خطاب قرار می‌دهد: "وقتی مادر فرانسه بودیم ... یا "در کشورهای متمدن ... " جملاتی از این دست، با منشی خیرخواهانه و ارشادی نسبت به دیگران، در کلام چنین افرادی زیاد دیده می‌شود. چنین رفتارها و گفتارهایی، از هر کس که جامعه خویش را ترک کرده، مدتی در جامعه‌ای دیگر زندگی می‌کند، مشاهده نمی‌شود، بلکه این رفتارها تابعی است از شخصیت انسان‌ها. کسانی که متعلق به تیپ‌های شخصیتی دیگر از قبیل تیپ فردی یا

بروز می‌دهد. اعمال او، به خصوص در مقابل پدر و مادری که هنوز روش‌های تربیتی دوره کودکی را در مقابل فرزند نوجوانشان به نمایش می‌گذارند، مبتنی بر عرض اندام، ابراز وجود و استقلال‌طلبی است که از تمامی آن‌ها بوی مخالفت و تضادورزی به مشام می‌رسد. همین نوجوان در جایگاه خود در میان دوستان و همسالان، نقش‌های دیگری ایفا می‌کند. او در این جمع می‌خواهد خود را به عنوان یک عضو کارآمد از گروه و کسی که قابلیت و لیاقت عضویت در جمع دوستان را دارد، نشان دهد. لذا در این جایگاه فردی می‌شود همراه، مطیع و هنجارپذیر. بسیاری از رفتارها، شکل و شمایل ظاهری و گفتارهای چنین نوجوانی با قواعد و هنجارهای گروه دوستان و همسالان تطابق پیدا می‌کند. او در حقیقت در چنین جایگاهی دیگر با نقش‌های سلطه‌جویانه پدر و مادر که طی سالیان دراز گذشته سلطه خود را بر او تحمیل کرده‌اند مواجه نیست و از طرف دیگر خیالش نیز از طرف پدر و مادر راحت است، زیرا آنان وی را به سادگی طرد نخواهند کرد، در حالی که این خطر از طرف دوستانش او را تهدید می‌کند که هر آن ممکن است او را به علت عدم تطابق با هنجارهای آنان طرد کنند. او با احساس آرامش از طرف جایگاهش در خانواده، در تلاش برای حفظ جایگاه خویش در میان دوستان است.

این قاعده، یعنی تلاش برای حفظ جایگاه جدید اجتماعی و بی‌مهری نسبت به جایگاه پیشین، تنها در مورد نوجوان مشاهده نمی‌شود، بلکه هر آن کس که دارای یک تیپ اجتماعی در شخصیت است، هر گاه جایگاه اجتماعی جدیدی کسب کند که به زعم او این جایگاه مقامی رفیع‌تر از جایگاه پیشین داشته باشد، او



عقلانی‌اند، این گونه رفتار نمی‌کنند. آنانی که دارای یک شخصیت مستقل و فردیت یافته‌اند و به حرمت خود رسیده‌اند، در هر جامعه‌ای و در میان هر گروهی که قرار گیرند، برای فردیت و انسانیت آحاد آن جامعه، حرمت و شأن قائل‌اند. دیگران در مورد چنین افرادی معمولاً چنین توصیفی را به کار می‌برند: "با این حال که او سال‌ها در خارج زندگی کرده، اصلاً نسبت به گذشته‌اش هیچ تغییری نکرده است." این توصیف در مورد تیپ‌های اجتماعی به سادگی به کار نمی‌رود. تیپ‌های اجتماعی شخصیت مانند نوجوانانی‌اند که در مقابل دوستان و همسالان خود باخته‌اند و در مقابل اعضای خانواده، پرخاشگر، مدعی، منتقد و طلبکار.

یکی دیگر از ویژگی‌های تیپ‌های اجتماعی در رفتارهای اجتماعی، تبعیت از هنجارهای اجتماعی جامعه و گروهی است که خود را متعلق به آن می‌دانند. این تبعیت معمولاً با اجباری درونی و مقاومت‌ناپذیر همراه است، همان‌گونه که یک تیپ بدنی در مقابل انگیزاننده‌ها و کشاننده‌های بدنی از قبیل میل به غذا و میل جنسی، مقاومت چندانی از خود نشان نمی‌دهد. برای مثال اجتناب از دست دادن با نامحرم یکی از قواعدی است که در دین ما جاری و حاکم است. در حالی که این رفتار در جوامع دیگر، به خصوص در فرهنگ غربی، یک هنجار پذیرفته شده و مرسوم است. مسلمانانی که به رغم تدین و باور خود به مؤمن و مسلمان بودن، در محیط‌های اروپایی قرار می‌گیرند، اگر متعلق به تیپ اجتماعی باشند، وقتی با زن یا مردی مواجه می‌شوند که دست به سوی آنان دراز کرده، در حالی که آنان مجاز به دست دادن نیستند، گویی بدون مقاومت دست

خود را به سوی آنان دراز کرده، دست می‌دهند. در این جا تقابل و تعارض هنجارهای جامعه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند با هنجارهایی که با آن بار آمده‌اند، آنان را به سمت تبعیت از هنجارهای اجتماعی حاکم سوق می‌دهد. این تبعیت نیز ناشی از حاکمیت تیپ اجتماعی شخصیت است، نه ناشی از نفس تعارض بین هنجارها. به طور خلاصه یک تیپ اجتماعی شخصیت حاضر است بسیاری از کارها، حتی آن‌هایی را که بر خلاف اخلاق و دین است انجام دهد، مشروط بر این که کسی نفهمد. ملاک این افراد تقبیح و تأیید اجتماعی است. این گروه به لحاظ قضاوت اخلاقی بیشتر در سطح دوم از سطوح سه گانه تحول قضاوت اخلاقی کلبه‌گ^۲ قرار می‌گیرند.

مطالبی که تا به این جا در مورد تیپ اجتماعی شخصیت گفتیم شاید نگرشی منفی را نسبت به این افراد القا کند. لذا باید این نکته را نیز مورد تأکید قرار دهیم که شخصیت اجتماعی یکی از مراحل اجتناب‌ناپذیر در رشد

شخصیت ماست. این مرحله باید علی‌القاعده در دوره دبستان به خوبی پرورده شود و کودک در این مرحله نحوه تطابق با گروه و پذیرش هنجارهای اجتماعی را بیاموزد و سپس با ورود به دوره نوجوانی، به تدریج وارد مرحله فردیت شده، آن را بیازماید. لکن متأسفانه بسیاری از انسان‌ها به لحاظ شخصیت در مرحله سنین دبستانی تثبیت شده، یا به این سنین بازگشت می‌کنند و در آن تا پایان عمر باقی می‌مانند. این سکون است که القای نگرش منفی می‌کند، و الا جنبه اجتماعی شخصیت انسان، یکی از ابعاد مهم و ضروری شخصیت آدمی است.

عدالت استوار است. انسان‌ها در جوهر و خلقت الهی، در نظر او رتبه‌بندی نمی‌شوند. لذا خودخواهی و خودپسندی در چنین شخصیتی راه ندارد. او با این حال که نسبت به یک شخصیت اجتماعی، کم‌تر با دیگران می‌جوشد و کم‌تر وقت خود را با دیگران صرف می‌کند و بیش‌تر از تنهایی‌های خود بهره می‌گیرد و در آن لحظات احساس لذت و سودمندی می‌کند، لکن رفتار اجتماعی او با دیگران اطمینان‌بخش‌تر و همراه با طمأنینه و آرامش است. او با این حال که در مقایسه با یک تیپ اجتماعی شخصیت، از القاب و تعارفات معمول اجتماعی کم‌تر بهره می‌گیرد و کم‌تر به چسپانوسی و تعریف و تمجید از دیگران می‌پردازد، لیکن بیش‌تر از یک تیپ اجتماعی احساس قدرشناسی و احترام را در دیگران بر می‌انگیزد. تعریف مطوّل یک تیپ اجتماعی از مثلاً سفره‌ای که صاحب خانه‌ای برای میهمانانش گسترده است، به اندازه یک تشکر کوتاه و مختصر یک تیپ فردی، تأثیرگذار و ضرورآفرین نیست. خلاصه آن که رفتار اجتماعی یک تیپ فردی در مقایسه با یک تیپ اجتماعی، بسیار کوتاه و مختصر ولی بسیار نافذ و تأثیرگذار است. مردم معمولاً چنین افرادی را دوست داشتنی‌تر و صمیمی‌تر احساس می‌کنند، در حالی که یک تیپ اجتماعی را ضمن توصیف به میادی آداب بودن و متکلف بودن، غیرصمیمی و ریاکار حس می‌کنند.

یک تیپ فردی در میان مردم و هنگام مواجه شدن با گروه‌هایی که دارای هنجارهای گوناگون و گاه متضاد با هنجارهای او هستند، ضمن حفظ استقلال خویش، هنجارهای دیگران را مورد بی‌حرمتی و تسمخر قرار نمی‌دهد. نه از

تیپ فردی و رفتار اجتماعی

یک تیپ فردی، بعد از گذار از نیازها و تمایلات بدنی و بعد از گذشتن از نیازمندی‌ها و امیال اجتماعی، به سطحی از استقلال و حرمت خود رسیده است که رفتارهای او را به نحو متفاوتی معین می‌کند. چنین فردی در روابط اجتماعی خود، با استقلالی که در درون خویش احساس می‌کند می‌تواند به موقع با دیگران تماس برقرار کرده، به موقع نیز تماس خود را قطع کند. به عبارت دیگر پایه و اساس روابط اجتماعی او با دیگران در اختیار و کنترل اوست. علاوه بر این چنین فردی، هر چند که متوجه تفاوت انسان‌ها با یکدیگر است، لکن به جوهر اصلی انسانیت و حرمتی که هر انسانی، جدا از رنگ پوست، ملیت، مذهب، ثروت و... دارد، ایمان و باور دارد. او آیه شریفه "لقد کرمنا بنی آدم" را در درون خویش به خوبی حس می‌کند. او حرمتی را که برای خود قائل است به تمامی انسان‌ها تسری می‌دهد و از این رو رابطه‌اش با دیگران در اساس بر تساوی و

اگر ما به محتویات سخنان جمعی که ساعت‌ها کنارهم نشسته، با هم به اختلاط و گفت‌وگو مشغول‌اند، توجه کنیم، به هم‌ریختگی خاصی را در این گفت‌وگوها می‌یابیم. هیچ مطلبی به شکل منسجم و نظام‌دار دنبال نمی‌شود. هر جمله‌ای و هر مطلبی ممکن است مطلب نامربوط دیگری را تداعی کند. آن مطلب نیز به نوبه خود مطلب دیگری را فرا

هنجارهای اصلی و اساسی خود دست برمی‌دارد و نه هنجارهای دیگران را مورد بی‌حرمتی قرار می‌دهد. او آن‌جا که احساس کند ضروری است در مورد رفتاری یا مطلبی تذکر بدهد، خود را ناتوان از آن تذکر نمی‌بیند. از این‌رو چنین فردی اگر مطلبی را بخواهد بگوید به راحتی در مقابل دیگران آن را به زبان می‌آورد و همین مطلب او را از غیبت مستغنی می‌سازد. در این جاست که مشخص می‌شود غیبت ناشی از ناتوانی مواجه شدن با دیگران است. این ناتوانی بیش‌تر بر تیپ اجتماعی شخصیت حاکم است و در اصل تیپ اجتماعی شخصیت ناتوان در مقابل دیگران است.

تیپ عقلانی و رفتار اجتماعی

یک تیپ عقلی، همان‌گونه که در تمامی فعالیت‌هایش به دنبال نظم، سازمان‌دهی و عاقبت‌اندیشی است، در رفتار اجتماعی خود نیز چنین است. روابط اجتماعی تیپ عقلانی، حتی نسبت به تیپ فردی نیز محدودتر است. او در روابطش با دیگران در جست‌وجوی معنی است. او هر رفتاری را می‌خواهد در ساختار و سازمانی قرار داده، از این طریق به آن معنی و هدف‌مندی ببخشد. در حالی که رفتارهای اجتماعی مردم و مراودات آنان با یکدیگر اغلب خالی از سازماندهی عقلانی است، شخصیت عقلانی در چنین رفتارهایی این سازمان را جست‌وجو می‌کند و به همین جهت به علت نیافتن چنین سازمانی، اغلب خسته از مراودات دیگران، یا به کنج تنهایی‌های خود پناه می‌برد، یا روابطش را با دیگران به افرادی که چون او جهان را تنها سازمان یافته دوست دارند، محدود می‌سازد.



همان‌گونه که به همه چیز با چشمی الهی می‌نگرد و همه چیز را آیتی از خدا و واجد زیبایی می‌بیند، مردم را نیز از این قاعده مستثنی نمی‌کند.

بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف، صفت وصف تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه نیم من که روم خانه به خانه

مقصود تویی کعبه و بت خانه بهانه
این توصیف به تمامی توصیف نگاه یک
تیپ قلبی به جهان، از جمله به پیر و جوان
است. این دید لطافت و زیبایی خاصی به روابط
انسان با دیگران می‌بخشد. یک تیپ قلبی،
مراودات اجتماعی محدودی دارد، لیکن در این
مراودات تأثیری عمیق بر دیگران می‌گذارد.
حتی سکوت او بسیار نافذ است. حضور او
وقاری را بر محیط حمل می‌کند. گویی همه چیز
به سکوت دعوت می‌شوند. کلمات کوتاه، قابل
فهم و تأثیرگذار است. این شرایط با این ویژگی
نمی‌تواند دوام زیادی داشته باشد، به همین
جهت اهل دل هم در عمل و هم در گفتار،
ملاقات‌های خود با دیگران را کوتاه می‌کنند و
دیگران را نیز به مراودات کوتاه دعوت می‌کنند.
تیپ‌های عقلانی و قلبی با این حال که
مراودات زیادی با مردم ندارند، لکن هدایت و
راهبری جوامع و توده مردم به شکل اساسی و
ماندگار توسط این افراد انجام می‌گیرد.

بخواند. میلیاردها ساعت وقتی که مردم در
مراودات اجتماعی خود صرف می‌کنند، بدون
مداخله‌های عقلانی و تحلیل‌های عالمانه، قابل
استخراج به اندازه یک جزوه کوچک نیست، در
حالی که یک ساعت گفت و گوی دو فرد عاقل و
عالم ممکن است کتابی ماندگار را حاصل دهد.
این قیاس نشان‌گر آن است که مراودات
اجتماعی مردم، از منطق خاصی تبعیت می‌کند
که ضمن سودمندی در درون خود، با منطق
عقلانی رایج بین علما و دانشمندان و فلاسفه
تطابق ندارد. مردم در روابط اجتماعی خود به
دنبال تخلیه هیجانی، دریافت تقویت‌کننده‌های
اجتماعی از قبیل تحسین و احترام و نیز برآوردن
برخی از نیازهای بدنی خویشند، در حالی که
تیپ‌های عقلانی چنین تقویت‌کننده‌هایی را
زیاد طالب نیستند.

مردم شخصیت‌های عقلانی را ضمن
احترام‌انگیزی، افرادی سرد و بی‌روح و خشک
توصیف می‌کنند. در ذهن اکثر مردم تیپ‌های
عقلانی جایگاهی مهم دارند. آنان می‌دانند که
این‌ها افرادی مهم‌اند ولی بهتر است در ذهن
آن‌ها پیوسته در گوشه‌ای قرار بگیرند، مانند
شیء عتیقه‌ای که پیوسته در موزه یا در گنج‌های
نگهداری می‌شود. در حالی که هنرپیشگان،
ورزشکاران و تمامی کسانی که با هیجانان و
احساسات و تخیلات مردم سروکار دارند،
اغلب در صحنه ذهن مردم نیز حاضرند،
همان‌گونه که در میدان مسابقه یا در صحنه
سینما و تئاتر حضور دارند.

پی‌نوشت‌ها:

1-ALFRED ADLER

2-KOHLBERG L.

تیپ قلبی و رفتار اجتماعی

یک تیپ قلبی سالم، رفتاری لطیف‌تر از یک
تیپ عقلانی در ارتباط با دیگران دارد. او